

## ویتگنشتاین: خدا باور یا ملحد؟

سیداکبر حسینی قلعه بهمن\*

### چکیده

ویتگنشتاین یکی از چهره‌های علمی قرن بیستم است که نگرش‌های او به طور معمول و مشخص، بازتاب‌های گوناگون و گسترده‌ای در میان اندیشمندان دیگر داشته است. دیدگاه ویتگنشتاین دربارهٔ خدا، و واقع‌گرایی یا غیرواقع‌گرایی این فیلسوف نیز از قاعدهٔ یادشده مستثنا نبوده و حتی مبنای نظری بسیاری از اندیشمندان قرار گرفته است.

در نوشتار حاضر، می‌کوشیم تا به تبیین نگاه ویتگنشتاین در این باره بپردازیم و بگوییم که بر اساس رسالهٔ منطقی و فلسفی، به نظر می‌رسد که وی برای ماورای عالم طبیعت، حقیقتی قائل نبوده؛ زیرا بر آن بوده است که زبان بدان عالم راه ندارد. بدین ترتیب، ویتگنشتاین را می‌توان ملحدی نسبت به ماورا تلقی کرد، نه غیرواقع‌گرا. اما از عبارات‌های ویتگنشتاین در پژوهش‌های فلسفی‌اش (با این مضمون که: «الهیات از بازی زبانی منحصر به فردی برخوردار است»)، تا حدودی چنین برمی‌آید که او در عرصهٔ هستی‌شناسی امر الوهی، واقع‌گرا می‌باشد و برای خدا، امر الوهی، و اعتقادات دینی، وجهه‌ای مستقل از اذهان قائل است.

**کلیدواژه‌ها:** واقع‌گرایی دینی، غیرواقع‌گرایی دینی، نظریهٔ تصویری معنا، بازی‌های زبانی، متعالی، معناداری، ویتگنشتاین.

\* استادیار مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). دریافت: ۸۸/۴/۱۰ - پذیرش: ۸۸/۵/۱۸

### مقدمه

واقع‌گرایان دینی در نگاه هستی‌شناختی معتقدند: موجود یا موجوداتی الوهی در عالم به سر می‌برند که هستی مستقل از اذهان آدمیان دارند؛ همچنین، در منظری معرفت‌شناختی بر این اعتقادند که: گزاره‌های دینی صدق و توجیه خویش را به شکل مستقل از اذهان آدمیان به دست می‌آورند. آنان در تفسیری معناشناختی می‌گویند: مفاهیم دینی، و زبان دینی، معنایی حقیقی دارند و زبان دینی، یک زبان حقیقی است. در مقابل، غیرواقع‌گرایان دینی، از منظر هستی‌شناختی، وجود حقایق دینی را وابسته به اذهان آدمیان می‌دانند و از منظر معرفت‌شناختی، صدق و توجیه گزاره‌های دینی را وابسته به اذهان انسان‌ها برمی‌شمارند؛ در نهایت، غیرواقع‌گرایان معناشناختی می‌گویند که مفاهیم دینی، و زبان دینی، معنایی حقیقی ندارند و زبان دینی، یک زبان حقیقی نیست.

البته روشن است که ضرورتاً هر اندیشمندی که در هستی‌شناسی حقایق دینی واقع‌گرا باشد، در عرصه معرفت‌شناسی یا معناشناسی، این موضع را نخواهد داشت. همچنین، هرکس که در معناشناسی یا معرفت‌شناسی به غیرواقع‌گرایی متمایل باشد، ضرورتاً در هستی‌شناسی نیز غیرواقع‌گرا نخواهد بود. به هر روی، در مقاله حاضر، به دنبال پاسخ این پرسش مهم هستیم که آیا ویتگنشتاین، به ویژه در هستی‌شناسی حقایق دینی (و امر الوهی)، واقع‌گرا شمرده می‌شود یا غیرواقع‌گرا؟

### سرگذشت ویتگنشتاین

بی‌تردید، لودویگ ویتگنشتاین<sup>(۱)</sup> از تأثیرگذارترین فیلسوفان قرن بیستم در عرصه الهیات و مباحث فلسفه دین به شمار می‌رود. اندیشه‌های گوناگون او در این عرصه، دریچه بسیار متفاوتی را بر روی الهیدانان و فیلسوفان دین گشوده است تا آنجا که در مبنایی‌ترین گفتارها، به طور قطع، یاد و نامی از او و آثارش به میان می‌آید. بر این اساس، شایسته